

نقش خلیج فارس در اوضاع ایران در پایان جنگ جهانی اول

مجتبی رضایی سرچقا^۱

چکیده

با پایان یافتن جنگ جهانی اول، تغییرات عمده‌یی در چشم‌انداز سیاسی، اقتصادی و اجتماعی سواحل شمالی خلیج فارس یعنی ایران پدید آمد. نوشتار حاضر این تغییرات را بررسی کرده و سیمای جدیدی از این سواحل را ترسیم میکند. با خروج روسیه از جنگ بواسطه وقوع انقلاب، شکست آلمان و اضمحلال عثمانی باعث شد که انگلیس بصورت قدرت غالب در منطقه ظاهر شود و بمحض خالی دیدن میدان از رقیب بسرعت درصدد برآید تا با انعقاد قراردادی موسوم به قرارداد ۱۹۱۹ م. با ایران دست به نوسازی ساختار اداری و مالی و نظامی ایران زند البته این قرارداد با شکست مواجه شد، زیرا با مخالفت عوامل داخلی و خارجی روبرو گشت. ایران نیز کمی قبل از اتمام جنگ در صدد بود تا با تدارک هیئتی برای اعزام به کنفرانس صلح پاریس از قافله عقب نماند که البته تلاشهای این هیئت اعزامی برغم حضور در کنفرانس صلح به جایی نرسید و نتوانستند در مذاکرات صلح شرکت نمایند. از سوی دیگر در خلیج فارس و سواحل آن، تبعات جنگ بصورت رکود اقتصادی و مهاجرت عده کثیری از تجار و بازرگانان سواحل شمالی به سواحل جنوبی خلیج فارس و قحطی و کمبود مواد غذایی نمود پیدا کرد که این امر به همراه استخراج نفت تغییرات بنیادینی را در کانونهای اجتماعی و اقتصادی سواحل خلیج فارس پدید آورد.

کلیدواژگان: خلیج فارس؛ ایران؛ انگلیس؛ قرارداد ۱۹۱۹ م.؛ کنفرانس صلح؛ جنگ جهانی اول

مقدمه

تا قبل از وقوع جنگ جهانی اول، قدرتهای بزرگ آن روزگار در سواحل خلیج فارس در قالب کنسولگری با هم به رقابت اقتصادی و سیاسی میپرداختند که جنگ تغییرات عمده‌یی را در سرنوشت منطقه و همچنین صاحبان منافع پدید آورد.

خروج روسها از جنگ با وقوع انقلاب، شکست آلمان و اضمحلال عثمانی باعث شد که انگلیسیها در ادامه سیاستهای قبلی (قراردادهای ۱۹۰۷ م. و ۱۹۱۵ م.) در ایران و خلیج فارس بی‌رقیب شوند و در پی آن چند موضوع دیگر رقم خورد: نخست اینکه انگلیس، همسایه جنوبی ایران، تصمیم گرفت طی قراردادی موسوم به قرارداد ۱۹۱۹ کاکس-وثوق الدوله با دولت ایران، دست به نوسازی ساختار اداری و مالی و نظامی زند. دوم آنکه قیمومیتشان را بر سرزمینهای عربی عثمانی مصرحه در پیمان سایکس-پیکو با فرانسه، در کنفرانس سان ریمو تأیید کند. به علاوه تأسیس کشورهای عراق و عربستان بعد از جنگ با نقش محوری انگلیس از دیگر وقایع پس از جنگ بود. از لحاظ اقتصادی نیز بنادر سواحل شمالی خلیج فارس از دیرباز برای انگلیس یک بستر مهم تجاری بود که آستن تغییرات بنیادی بود.

در نوشتار حاضر درصددیم جایگاه خلیج فارس در قبال تحولات پدید آمده در ایران بعد از جنگ جهانی اول را بررسی نماییم.

مصیبت بار بود. روسیه در اواخر نوامبر اعلام کرد که قرارداد تقسیم ایران یک ورق پاره بیش نیست و ایران را از تخلیه نیروهای خود مطمئن ساخت (گرکه، ۱۳۷۷: ۴۵۸-۴۵۹/۱) و بدین ترتیب قرارداد ۱۹۰۷ م. و ۱۹۱۵ م. را ملغی نمود. در ۳۰ اکتبر ۱۹۱۸ م. / ۲۴ محرم ۱۳۳۷ هـ.ق آتش بس موقت میان عثمانی و انگلیس برقرار شد و این کشور بعنوان یک کشور شکست خورده، از جنگ کنار کشید. با خروج روسیه از جریان جنگ جهانی اول تقریباً نیمه جنوبی ایران، افغانستان، هند، بین‌النهرین و مصر در سیطره انگلیس قرار گرفت و نیروهای انگلیسی بر این سرزمینها تسلط یافتند.

تقاضاهای ایران از انگلیس بعد از جنگ جهانی اول

هنوز جنگ جهانی اول به پایان نرسیده بود که سیاستمداران ایرانی به فکر شرکت در کنفرانس صلح افتادند. اهداف ایران از شرکت در کنفرانس صلح، آنقدر اهمیت داشت که در کمتر از یک سال دوبار وزیر خارجه خود را برای حضور در کنفرانس به اروپا اعزام کردند.

بخشی از خواسته‌های ایران در قالب تقاضاهای ایران از انگلیس از طریق وزارت امور خارجه توسط نصرت‌الدوله فیروز منعکس شد. این تقاضاها عبارت بودند از:

(الف) مساعدت در تخلیه ایران از قوای جنگی و تفویض قشون پلیس جنوب به این دولت

(ب) الغاء عهدنامه ۱۹۰۷ م. و رفع اثرات اولتیماتوم ۱۹۱۱ م.

(ج) قبول مشارکت نماینده دولت ایران در کنفرانس صلح

(د) تجدیدنظر در تعرفه گمرکی

(ه) پرداخت کلیه فاضل عایدات گمرکات و اقساط گذشته و آینده بدون هیچ شرط (اولسون، ۱۳۸۰: ۳۸۲؛ مورخ‌الدوله سپهر، ۱۳۳۶: ۴۹۱).

انگلیسیها به هیچ وجه راضی به حضور ایران در کنفرانس صلح نبودند. آنان تا ژوئیه ۱۹۱۸ م. / ۱۳۳۶ هـ.ق ایران را به

انگلیس قدرت غالب بعد از جنگ جهانی اول

جنگ جهانی اول را میتوان پایان یک دوره در سیاستهای بریتانیا نسبت به خلیج فارس و آغاز شیوه‌های نوین سیاست‌ورزی در این منطقه دانست. سکان سیاستهای استعماری بریتانیا در این هنگام، در دستان لرد کرزن، وزیر خارجه دولت دیوید لوید جرج^۱، بود (ذوقی، ۱۳۶۸: ۲۹۲).

هدف کرزن در ایجاد ثبات و امنیت در کشورهای حوزه خلیج فارس بنحوی که موقعیت آنها تثبیت شود و منافع بریتانیا نیز دستخوش آسیب نگردد، خلاصه میشد. در همین راستا هدف وی از انعقاد قرارداد ۱۹۱۹ م. در ایران، پدید آوردن یک حکومت مرکزی مقتدر و فرمانبردار از انگلستان بعنوان مهمترین کشور منطقه بود. کرزن در نظر داشت تا ایران با داشتن یک ارتش منظم و کارآمد، تحت فرمان افسران انگلیسی، امنیت را در سواحل شمالی خلیج فارس و تمام کشور بطور کامل برقرار سازد. کرزن بعنوان یک سیاستمدار سنتی انگلیسی تصور میکرد با ایجاد امنیت و آرامش در ایران و خلیج فارس، بریتانیا قادر خواهد بود با آسودگی کامل به بهره‌برداری از منافع خود در هندوستان بپردازد.

شکست قرارداد ۱۹۱۹ م.، شکست بزرگی برای اندیشه‌های لرد کرزن که پدیدآورنده یک مکتب سیاسی در لندن بود، بشمار میرفت. دیپلماتهای این مکتب که اساس سیاستهایشان بر جلوگیری از نفوذ روسیه به سمت خلیج فارس استوار بود، اکنون که پس از حدود یک سده، روسها صحنه را خالی کرده بودند و زمینه‌های پر کردن خلاء ناشی از عدم حضور روسها در منطقه مناسب بنظر میرسید، موفق نشدند از چنین فرصت مناسبی به نفع خود استفاده کنند (همان: ۴۰۳-۴۰۴).

با وقوع انقلاب روسیه در پائیز سال ۱۹۱۷ م. / ۱۳۳۵ هـ.ق بدون اینکه دستوری صادر شود، نشانه‌های فروپاشی آن نیروها آشکار شد و اندک اندک عقب‌نشینی آنان آغاز گردید. در پایان این سال، آثار قحطی و شیوع بیماری در شهرها

۱. لوید جرج دیوید (Lloyd George David) (۱۳۲۴ - ۱۲۴۲ هـ.ش / ۱۹۴۵ - ۱۸۶۳ م.)، رجل بریتانیایی و یکی از بزرگترین رهبران انگلیس در جنگ جهانی اول، بود که با آنکه در نیمه دوم جنگ به نخست‌وزیری رسید، ولی نقشی کلیدی در پیروزی آن و سهمی بسزا در پایان گرفتن درگیریها داشت.

که قبل از کنفرانس صلح، قراردادی را با ایران منعقد سازد تا موقعیت خود را در ایران تثبیت کند. انگلیس فکر میکرد میتواند مانند گذشته با تکیه بر اشخاص، سیاست خود را عملی سازد، اما وقوع رویدادهای مهمتر باعث شد که این معاهده عملی نشود (همان: ۴۵۲-۴۵۳).

گرچه تسلط انگلیس بر حکام محلی خلیج فارس در ابتدای سال ۱۹۱۹ م. / ۱۳۳۷ هـ.ق مسلم بنظر میرسید، اما چندان پایدار باقی نماند. ناکامی قرارداد ۱۹۱۹ م. در ایران، شورش تابستان ۱۹۱۹ م. در عراق که بریتانیاییها را مجبور کرد حدود چهار میلیون پوند برای سرکوب آن هزینه کنند (یاب، ۱۳۸۰: ۱۰۱)، همه این وقایع از جمله عوامل ناپایداری استیلای انگلیس بر منطقه خلیج فارس بود. با این حال، زمانی که پس از مدتها بریتانیا خود را فارغ از رقبای سنتی پیشین چون روسیه دید، زمان را مناسب برای جامه عمل پوشانیدن به نقشه لرد کرزن یافت.^۱

این سیاستمدار کهنه کار انگلیسی، نقشه ایجاد یک امپراتوری عظیم بریتانیایی را از مدیترانه تا سنگاپور در سر میپوراند. در سلسله ممالکی که میبایست بدین منظور زیر یوغ این امپراتوری دربیاید، ایران مهمترین حلقه پیوند بشمار میرفت (الهی، ۱۳۶۱: ۲۰). برای همین منظور بود که سرپرسی کاکس بعنوان وزیرمختار از بغداد به تهران فرستاده شد تا قرارداد ۹ اوت ۱۹۱۹ م. را تهیه و تنظیم نماید. طبیعی مینمود در راستای اتخاذ چنین سیاستی، خلیج فارس پایگاه اصلی بریتانیا محسوب میشد. انگلیس مدتها بود که وضعیت مطلوبی را برای حفظ منافع خود در خلیج فارس پدید آورده بود. ویلسون در کتاب مشهور خود خلیج فارس از قول لوات فریزر^۲ مینویسد: «مدت یک قرن است که ما انگلیسیها خلیج فارس را به زور اسلحه و شمشیر خود مبدل به منطقه بی امن و آرام ساخته ایم و میتوان گفت هیچیک از عملیات ما در

اشغال خود درآوردند. قرار بر این بود که نیروهای بریتانیا ۱۹۲۱ م. / ۱۳۳۷ هـ.ق ایران را ترک کنند؛ یعنی در حدود ۳/۵ سال پس از اشغال، اما نگرانی آنان بلشویسم بود.

کاکس معتقد بود با خروج نیروهای انگلیس از ایران، هرج و مرج یا از آن بدتر، بلشویسم در ایران رسوخ خواهد کرد. بنابراین باید اقدامی صورت میگرفت و کار بازسازی ساختار سیاسی-مالی-اداری ایران را انگلیس عهده دار شد. حکومت هند به علت تبعات و هزینه های مالی و نظامی این برنامه با این امر مخالف بود، اما کاکس قانع نمیشد. به هرحال نیروهای بریتانیا در فوریه ۱۹۲۱ م. یعنی پس از کودتای ۱۲۹۹ هـ.ش / ۱۹۲۱ م. از ایران رفتند (مجد، ۱۳۸۶: ۱۷).

البته ناگفته نماند بیشتر خواسته های ایران از جامعه ملل در خصوص ایالات شمالی و غربی بود که توسط روسها و ترکها مورد تهاجم قرار گرفته بود، نه سواحل شمالی خلیج فارس و تقاضا از انگلیس برای دستیابی به آن اهداف بود نه ادعای خسارت از انگلیس بخاطر نقض بی طرفی ایران در جنوب کشور.

ایران و بریتانیا و قرارداد ۱۹۱۹ م.

با پایان یافتن جنگ جهانی اول، انگلیس حضور و نفوذ خود را در خلیج فارس حفظ کرد و تنها قدرت بلامنازع در این منطقه شمرده میشد. انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ م. روسیه را متوجه مسائل داخلی خود کرده بود و کشورهای اروپایی مانند آلمان و فرانسه که پیشتر بر سر منافع خود با یکدیگر نرد قدرت میباختند، اینک چنان در جریان جنگ مهیب، گرفتار ویرانی شده بودند که توان حضور در خاورمیانه و خلیج فارس را نداشتند و سعی میکردند بیشتر به مسائل اروپایی خود بپردازند. بنابراین در سال ۱۹۱۹ م. / ۱۳۳۷ هـ.ق بریتانیا به تمام معنی در خلیج فارس یکه تاز بود. در ماه های آخر ۱۹۱۸ م. / ۱۳۳۷ هـ.ق نگرانی عمده انگلیس، حفظ دستاوردهای جنگ بود و برای این کار سیاست انزوای سیاسی ایران را با جلوگیری از استخدام اتباع خارجی در ایران و حصول اطمینان از این امر که در کنفرانس صلح تصمیماتی اتخاذ نشود که به زیان انگلیس باشد، در پیش گرفت (اولسون، ۱۳۸۰: ۳۷۸) و سرانجام به این نتیجه رسید

۱. کرزن لرد جورج ناثیل (Curzon Lord George Nathaniel) (۱۳۰۴-۱۲۳۸ هـ.ش / ۱۹۲۵-۱۸۵۹ م.): کرزن را آخرین سیاستمدار انگلیسی توصیف کرده اند که به طرز تفکر اشرافی سده هجدهم بریتانیا معتقد بود. وی در ۱۸۹۸ م. بعنوان نایب السلطنه هندوستان برگزیده شد و در ۱۹۱۹ م.، پس از استعفا لرد بالفور، به وزارت امور خارجه انگلستان رسید.

2. Lovat Fraser

ارتش ایران لازم باشد در اختیار حکومت ایران قرار دهد. این کمیسیون مختلط که در آن افسرانی ایرانی و انگلیسی بالسویه عضویت خواهند داشت، بیدرنگ پس از امضای قرارداد فعلی تشکیل خواهد شد. حکومت ایران تشکیل یک چنین ارتش متحدالشکل را برای ایجاد نظم در داخل مملکت و حفظ تمامیت و امنیت مرزهایش لازم تشخیص میدهد.

ماده ۴- حکومت بریتانیای کبیر آماده است اعتبارات مالی لازم را برای اجرای اصلاحاتی که در مواد ۲ و ۳ این قرارداد پیش بینی شده است، بصورت وامی کلان در اختیار حکومت ایران بگذارد.

وثیقه مکفی برای بازپرداخت این وام را دولتین امضاکننده قرارداد، با مشورت همدیگر، از محل درآمدهای گمرکی یا سایر منابع درآمد مالی که در اختیار دولت ایران هست، تأمین خواهند کرد. تا موقعی که مذاکرات مربوط به دریافت این وام تکمیل نشده است، حکومت بریتانیای کبیر قول میدهد که اعتبارات لازم برای شروع اصلاحات موردنظر را علی الحساب از محل همین وام بپردازد.

ماده ۵- حکومت بریتانیای کبیر که ضرورت اصلاح راهها و سایر وسایل ارتباطی را در ایران، هم بمنظور گسترش تجارت، هم به قصد جلوگیری از وقوع قحطی، کاملاً تشخیص میدهد، حاضر است با دولت ایران برای سرمایه گذاری در این زمینه همکاری کند. این همکاری شامل کمکهای لازم به دولت ایران برای ساختمان راه آهن، راههای شوسه و سایر طرق مواصلاتی خواهد بود. سرمایه گذاری در این گونه طرحها همواره مشروط به بررسی قبلی آنها توسط کارشناسان صاحب نظر است که با موافقت دولت ایران عملیترین، ضروریترین و سودآورترین طرحها را برگزینند و اجرای آنها را توصیه کنند.

ماده ۶- دولتین امضاکننده قرارداد موافقت میکنند که کمیسیونی مختلط، مرکب از کارشناسان هر دو کشور، برای بررسی و تجدیدنظر در تعرفه های گمرکی بی درنگ تشکیل گردد.

هدف این کمیسیون، نوسازی تشکیلات گمرک ایران و

نقاط دیگر جهان مثل اقداماتی که در خلیج فارس کرده ایم، مفید و رضایتبخش نبوده است» (ویلسون، ۱۳۶۳: ۱۹).

متن قرارداد ایران و انگلیس (۱۹۱۹ م)

الف) قرارداد سیاسی و نظامی

مقدمه: نظر به عوالم محبت و دوستی که از زمانهای گذشته میان دولتین ایران و انگلستان وجود داشته است و با اعتقاد به اینکه منافع مشترک و اساسی طرفین ایجاد میکند که این دوستی در آینده استحکام یابد و رفاه و سعادت ایرانیان را به حدّ اعلا افزایش دهد، لذا حکومت ایران از یک طرف و وزیر مختار اعلیحضرت پادشاه انگلستان در تهران (که بنام دولت متبوعش این قرارداد را امضا میکند) از طرف دیگر، در مورد و شرایط زیر توافق کردند:

ماده ۱- حکومت بریتانیای کبیر به صریحترین و مؤکدترین بیانی که ممکن است قولها و وعدههایی را که در گذشته داده است دایر بر اینکه استقلال و تمامیت ارضی ایران را محترم بشمارد، همه آن قولها و تعهدات را یکبار دیگر، ضمن قرارداد کنونی، تأکید و ابرام میکند.

ماده ۲- حکومت بریتانیای کبیر بر عهده میگیرد که به خرج دولت ایران هر عده مستشار و کارشناس که حضورشان در ایران، پس از شور و مذاکرات لازم میان طرفین، ضرور تشخیص داده شود، در اختیار حکومت ایران بگذارد تا اصلاحات لازم را در وزارتخانهها و دوایر دولتی آغاز کنند. استخدام این مستشاران طبق کنترتهای دوجانبی که یک طرف آن حکومت ایران و طرف دیگرش مستشاران مورد نظر هستند، صورت خواهد گرفت و در انجام وظایفی که عهده دار میشوند، اختیارات لازم و مکفی به آنها داده خواهد شد.

نحوه این اختیارات در همان پیمان نامههایی که قرار است میان حکومت ایران و خود این مستشاران منعقد گردد، تعیین و تصریح خواهد شد.

ماده ۳- حکومت انگلستان متعهد میشود، به هزینه دولت ایران، هر تعداد افسر و هر میزان اسلحه و مهمات (از نوع جدید) که به تشخیص کمیسیون مختلط نظامی برای نوسازی

درآمدهای گمرکی تمام نقاط دیگر ایران را که تحت اختیارش هست، با رعایت تمام قیود و شرایطی که در قرارداد ۱۹۱۱ م. تصریح شده، به بازپرداخت وام کنونی و دیگر وامهایی که ممکن است در آینده دریافت کند، اختصاص دهد.

ماده ۴- حکومت ایران حق دارد وام کنونی را هر موقع که مایل بود از محل اعتبار وامهای جدیدی که ممکن است از انگلیس بگیرد، مستهلک سازد (اسناد محرمانه وزارت خارجه بریتانیا درباره قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس، ۱۳۶۸: ۲۹۳-۱/۲۹۵).

علل شکست قرارداد ۱۹۱۹ م.

سؤالی که در اینجا مطرح میگردد این است که چرا قرارداد ۱۹۱۹ م. هرگز عملی نشد؟

در بادی امر باید اشاره کرد مبارزه با قرارداد علل داخلی و خارجی متعددی داشت؛ از جمله اینکه چون مقدمات آن در نهان چیده شده بود، این امر سبب شد تا ایرانیان و نیز ایالات متحده، فرانسه و روسیه به مخالفت با آن برخیزند. در انگلستان نیز عده‌یی از جمله نایب‌السلطنه هند، وزارت امور هندوستان، وزارت دارایی و جنگ انگلیس با آن مخالف بودند (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۳۱۵).

نحوه پیش بردن مذاکرات توسط کاکس و کرزن بود؛ یعنی پنهانکاری، موجبات خشم هیئتهای فرانسوی و آمریکایی را فراهم آورد. این طرز عمل کبریتی شد که ملت‌گرایی در حال غلیان ایرانیان را شعله‌ور ساخت (همان: ۳۱۸).

از دیگر دلایل عدم موفقیت قرارداد ۱۹۱۹ م. مخالفت چهره‌هایی چون مستوفی‌الممالک، مخبرالسلطنه، مشیرالدوله، مؤتمن‌الملک، مدرس و امام جمعه خوی با قرارداد بود. بعلاوه، شایعه درباره دریافت رشوه طرفهای ایرانی این قرارداد از انگلیس^۱ بر سر زبانها باعث شد که مبارزه با آن پس از اعلام، آغاز شود (همانجا). همچنین روزنامه‌نگاران و

۱. از جمله این ادعاها در خواست الحاق سرزمینهای شیعه‌نشین عراق به ایران و پرداخت غرامت از مغلوبان در قبال آسیبهایی که به مردم وارد آمده و همچنین تخلیه ایران از قوای بیگانه و ابطال قراردادهای قبلی و آزادی اقتصادی و مالی و تجدید نظر در قراردادهایی که هنوز باقی هستند و اصلاح خطوط مرزی.

ریختن شالوده‌یی جدید برای این تشکیلات است که با منافع مشروع کشور و تأمین رفاه و آبادانیاش هماهنگ باشد.

ب) قرارداد مالی (مشهور به قرارداد وام)

ماده ۱- حکومت انگلیس مبلغ دو میلیون لیره استرلینگ بعنوان وام به دولت ایران میپردازد که صرف اصلاحات منظور اصلی گردد. این وام در اقساط و تاریخهای معین که جزئیات آن را خود حکومت ایران پس از مشاوره با مستشار دارایی انگلیسی تعیین خواهد کرد، پرداخت خواهد شد. مستشار مزبور که استخدامش در ماده ۲ قرارداد اصلی پیش‌بینی شده است، پس از اینکه وظایف خود را در تهران تحویل گرفت، نحوه دریافت این وام و محل مصرف آن را به دولت ایران پیشنهاد خواهد کرد.

ماده ۲- حکومت ایران بر عهده گیرد که بهره این وام را ماه به ماه به مأخذ سالیانه ۷٪ پرداخت کند. هر مبلغی که تحت ماده یک این قرارداد، تا ۲۰ مارس ۱۹۲۰ م. به دولت ایران پرداخت شود، مشمول بهره ۷٪ خواهد بود. از آن تاریخ به بعد، دولت ایران بازپرداخت وام خود را چنان تقسیم خواهد کرد که اصل مبلغ وام و بهره سالیانه آن (۷٪) بطور کلی در عرض بیست سال بعدی مستهلک گردد.

ماده ۳- کلیه درآمدها و عواید گمرکی کشور که طبق قرارداد مورخ هشتم مه ۱۹۱۱ م. برای بازپرداخت وام قبلی ایران به دولت انگلیس (به میزان ۱۲۵۰۰۰۰ لیره استرلینگ) تخصیص داده شده است، از این تاریخ بعد، بعنوان تأدیه وام کنونی تلقی خواهد شد و تمام شرایط مندرج در قرارداد فوق (قرارداد ۱۹۱۱ م.) به قوت و اعتبار خود باقی خواهد ماند.

بازپرداخت وام کنونی از محل درآمدهای مذکور در این ماده، بر تمام بدهیهای دیگر دولت ایران، بجز وام ۱۹۱۱ م. و وامهایی که در آتیه ممکن است از طرف حکومت انگلیس به حکومت ایران پرداخت گردد، تقدم خواهد داشت. در صورتی که درآمدهای مذکور در این ماده، بازپرداخت اقساط وام کنونی نباشد، حکومت ایران بر عهده میگیرد که کمبود آن را از محل درآمدهای دیگر تأمین کند و در صورت لزوم

سیدحسین تقی‌زاده که در این زمان در لاهه حضور داشت لویحی تنظیم کرد که حاوی نکاتی از نطق‌های احمدشاه درباره گذشته و تاریخ و فرهنگ ایران و درخواست عضویت ایران در جامعه ملل - علاوه بر آنچه که در خواسته‌هایش از انگلیس مدنظر بود - بود تا از آن برای احقاق حق ایران در کنفرانس صلح استفاده کند.

لایحه فوریه تقاضای دولت ایران برای ارائه به کنفرانس مقدماتی صلح در پاریس، بمنظور شرکت در آن بود. این لایحه اول تاریخچه روابط ایران و انگلیس و روس را مطرح میکرد و همچنین به بیطرفی ایران در جنگ و چگونگی نقض آن اشاره مینمود و سپس استدلال میکرد که چرا ایران باید در کنفرانس شرکت کند. لایحه ماه مارس نیز ادعای نام ایران در کنفرانس صلح شامل سه فصل بود: اول، استقلال سیاسی و قضایی و اقتصادی ایران؛ دوم، تقاضای بازگرداندن سرزمینهای جدا شده و سوم، تقاضای دریافت خسارت جنگ (اتحادیه، ۱۳۸۰: ۴۶۲-۴۶۳).

در این زمان که هیئت اعزامی ایران مشغول بحث پیرامون قرارگرفتن ایران در جریان مذاکرات صلح بود، وثوق‌الدوله درصدد انعقاد قرارداد ۱۹۱۹ م. برآمد. هدف ایران، نخست، جلب کمک‌های مالی و نظامی انگلیس بمنظور تحکیم حکومت و برقراری امنیت و دوم، جلب حمایت انگلیس برای رسیدن به خواسته‌های خود از جمله گسترش مرزهای ایران و سوم، دریافت خسارت بود (اتحادیه و پیرا، ۱۳۷۸: ۷۱).

البته منظور ایران با آنچه در ذهن کرزن میگذشت متفاوت بود. خواسته‌های ایران در اصل قرارداد وجود نداشت، بلکه در نامیهی از کاکس خطاب به وثوق به اینصورت مطرح شده بود که انگلیس آماده است در تحقق بخشیدن به خواسته‌های ایران با آن حکومت همکاری کند. این خواسته‌ها عبارت بودند از: ۱) ادعای ایران از دول متخاصم به علت صدمات مادی؛ ۲) تجدیدنظر در معاهدات گذشته ایران و انگلیس؛ ۳) اصلاح خطوط مرزی.

البته این زرنگی کاکس بود که این مسئله را که از نظر ایران

شاعرانی چون حسین صبا، عشقی، ایرج‌میرزا و فرخی‌یزدی نیز از دیگر مخالفان این قرارداد بودند که در آثار خود به انتقاد از آن پرداختند (همان: ۳۱۹).

از طرفی، واکنش تند روسیه به این قرارداد را میتوان نتیجه آن دانست که انگلیسیها با بلشویکها در جنگ بودند و به همین دلیل قرارداد بمنزله تبدیل ایران به پایگاه نظامی دائمی انگلیس بر ضد روسیه پنداشته میشد (همان: ۳۲۸).

به اجمال میتوان گفت، شکست قرارداد دلایل عمده‌یی داشت که عبارت بودند از: اول، رد بی‌قید و شرط آن از سوی برخی از سیاستمداران ایرانی؛ دوم، تأیید هولناکترین کابوسهای فرانسه، آمریکا و روسیه بواسطه عقد این قرارداد؛ سوم، خودداری وزارت جنگ، دارایی، وزارت امور هندوستان و نائب السلطنه هند از تأمین وسایل لازم برای دفاع از قرارداد؛ چهارم، برخورد خشک و باورنکردنی کرزن با وزیر خارجه نصرت‌الدوله در لندن؛ وضعیتی که سرعت رو به وخامت میرفت تا آن حد که حتی عملاً وثوق‌الدوله را از گشودن باب مذاکره با مسکو بمنظور جلوگیری از پیاده‌شدن بلشویکها در انزلی بازداشت (همان: ۳۷۷).

ایران در کنفرانس صلح ورسای

همانطور که اشاره شد، قبل از خاتمه جنگ، ایران به فکر کنفرانس صلح افتاد. به همین منظور احمدشاه تعدادی از رجال خوشنام را برای این امر برگزید. مشاورالممالک وزیر امور خارجه، معین‌الوزرا [علاء] فرزند دوم علاء‌السلطنه که انگلیس او را فردی ملی و افراطی قلمداد میکرد و ذکاء‌الملک [فروغی] معلم سربازخانه سابق شاه و از اعتدالیون هیئت نمایندگی ایران را تشکیل دادند. لازم بذکر است که انگلیس مخالف حضور ایران در پاریس برای شرکت کنفرانس صلح بود. دلیل مخالفت انگلیس صرفاً این انتخاب نبود بلکه سیاست به انزوا کشاندن ایران قبلاً اتخاذ شده بود؛ زیرا تمایل نداشتند که دیگر کشورها در ایران صاحب منافع شوند و دریافته بودند که ایران قصد دارد ادعاهای گسترده‌یی را در کنفرانس مطرح کند (اولسون، ۱۳۸۰: ۳۸۹).

در خصوص اعتراضاتی که پیرامون این قراردادها در جامعه ملل صورت گرفت، باید گفت استدلال جامعه ملل این بود که چون زمان انعقاد قراردادها قبل از تشکیل جامعه ملل بوده است، بنابراین رسیدگی به آن در دستور کار جامعه ملل قرار نمیگیرد و همه تلاشها بی نتیجه میماند.

باعتماد نصرت‌الدوله فیروز توسل ایران به جامعه ملل بسیار اهمیت داشت؛ چرا که وی معتقد بود با تبدیل کردن مسئله ایران به یک مسئله اروپایی میتوان استقلال ایران را تضمین کرد (همان: ۴۶۷). با همه این تفاسیل، رؤیای ایران برای خواسته‌های بلندپروازانه‌اش به جایی نرسید.

تأثیر جنگ بر اوضاع اجتماعی و اقتصادی سواحل شمالی خلیج فارس

اگر با دقت به منابع بنگریم با تلاش انگلیس در طول جنگ و بعد از آن برای نصب و راه‌اندازی دکله‌ها و فانوسهای دریایی مواجه میشویم و این تلاش نشاندهنده حضور فعال برای تسلط بیشتر است. در این برهه تاریخی ما با بی‌توجهی حکام و کارگزاران جنوبی مواجه هستیم. ناامنیهای بعد از انقلاب مشروطه باعث توقف چندین ساله تجارت شد و همین امر نیز باعث مهاجرت عده بسیاری از تجار لارستانی به جنوب خلیج فارس گردید. در گزارشی از بارکلی به گری آمده است: «قریب به چهارصد نفر از تجار با خانواده‌هایشان در نوامبر از لار به لنگه وارد شدند و اظهار داشتند که چون تجارت موقوف شده، قصد سکونت در لنگه و دوبی دارند» (وثوقی، ۱۳۸۱: ۱۸۹-۱۹۰).

در خصوص تجارت سواحل خلیج فارس چنانکه اشاره شد، مهاجرت عده کثیری از بازرگانان و تجار ایرانی و عرب سواحل شمالی به سواحل جنوبی بخصوص سواحل متصل‌الحه بود. حدود سال ۱۹۲۰ م. / ۱۳۳۸ هـ.ق معلوم شد محدودیتهایی که اقتصاد بنادر جنوبی ایران را از پا درآورده، زودگذر نبوده و ادامه خواهد داشت. در نتیجه، غالب تجار که در آغاز بطور موقت در دوبی ساکن بودند، دعوت شیخ سعید بن مکتوم را برای استقرار در دوبی پذیرفتند و خانواده‌های خود را نیز به آنجا بردند. خیل عظیمی از آنان از بستک و بخشی از لار بودند. قسمت اصلی بستک دور از ساحل بود، اما این

مهم بود در متن قرارداد ننگ‌جاده بود. بعدها نصرت‌الدوله فیروز خواست این ابهام را رفع کند ولی نتوانست کاری از پیش ببرد. نصرت‌الدوله و وثوق‌الدوله با هم همعقیده بودند که تنها کشوری که در این شرایط میتواند به ایران کمک کند انگلیس است و علاوه بر این با ضعفی که ایران دارد نمیتواند دشمنی انگلیس را برای خود بخرد. لازم بذکر است که منظور ایران از اصلاح خطوط مرزی چنانکه نصرت‌الدوله فیروز مینویسد، گسترش مرزها نبود، بلکه ترمیم مرزها بود که کرزن حق ایران را در ترکستان و قفقاز رد کرد و درباره کردستان جواب مبهمی داد که نصرت‌الدوله آن را موفقیت تعبیر کرد و سعی کرد آن را اینگونه تفسیر کند که هر زمان که مسئله ترکیه مطرح شود به ایران فرصت داده میشود ادعاهایش را مطرح نماید کند (همان: ۴۶۳-۴۶۵).

کنفرانس صلح ورسای فقط به مسئله آلمان پرداخت و حل و فصل مسئله ترکیه به سان‌ریمو محول شد که در ۱۸ تا ۲۶ آوریل ۱۹۲۰ م. تشکیل شد و نصرت‌الدوله کوشید حق ایران را بدست آورد، اما ایران دعوت نشد و فقط در ۱۹ آوریل از نمایندگان ایران برای تعیین مرز کردستان دعوت شد (همان: ۴۶۶).

انگلیس تمام تلاش خود را بکار گرفت تا مانع شرکت ایران در مذاکرات صلح شود؛ زیرا معتقد بود که ایران جزء کشورهای بیطرف بوده و نه متخاصم، بنابراین حق شرکت در مذاکرات صلح را ندارد و ادعاهای ایران که بیطرفی آن نقض شده بود و در نتیجه جنگ صدمات زیادی دیده بود، شکست خورد.

گرچه ایران نتوانست در کنفرانس ورسای شرکت کند، اما این نتیجه را در برداشت که مسئله ایران در بین نمایندگان دولتها مطرح شد و آنها بالأخره با این مسئله آشنا شدند. حضور هیئت ایرانی در پاریس کمک زیادی به این امر کرد تا انگلیس سرانجام وادار به قبول پذیرش عضویت ایران در مجمع ملل شود و به این ترتیب، ایران در نوامبر ۱۹۱۹ م. در جامعه ملل عضویت یافت و همچنین فعالیت دیپلماتیک هیئت اعزامی به این کنفرانس باعث شد از مخالفت دولتهای بزرگ با قرارداد ۱۹۱۹ م. بِنَفَع خود استفاده کند (باست، ۱۳۸۰: ۴۵۴-۴۵۵).

بین‌النهرین غله کافی وجود داشت، اما ایران که در میان آنها قرار داشت، دچار گرسنگی بود (همان: ۲۱-۲۵).

نفت در طول جنگ و پایان آن

پیدایش نفت، اهداف اقتصادی مهمی را بر اهداف توسعه‌طلبانه و امنیتی بریتانیا افزود و کاربری خلیج فارس را از یک حائل بین هندوستان و دیگر استعمارگران به یک نقطه استراتژیک و نیازمند به محافظت در جهان تبدیل نمود که اوج اهمیت آن را در جنگ جهانی دوم میتوان دید. مسائل دیگری که مورد توجه بود، خطر تهدید منافع انگلیس بوسیله آلمان و سپس شوروی [روسیه] بود؛ چنانکه رقابتها و اختلاف نظرها در پس پرده سیاست، ایران را به صحنه کشمکش قدرتهای بزرگ زمان مبدل ساخته بود (سفیری، ۱۳۶۴: ۱۲۳).

لازم بذکر است که اکتشاف میدانهای نفتی در کویت، بحرین و قطر از ۱۹۱۳ م. / ۱۳۳۱ هـ.ق تا ۱۹۲۲ م. / ۱۳۴۰ هـ.ق موقعیت انگلیس را در خلیج فارس محکمتر ساخت و انگلیس نیز بمنظور بهره‌گیری از نفت و سایر منابع طبیعی اقدام به عقد قراردادهای متعدد کرد. شیخ کویت نخستین کسی بود که با نماینده دولت انگلیس در بوشهر قراردادی را امضاء کرد و تعهد نمود که قرارداد جداگانه بدون تصویب انگلیس با دول خارجی امضاء نکند (۱۹۱۳ م. / ۱۳۳۱ هـ.ق) به همین ترتیب سایرین نیز به تاسی از کویت به قراردادهای جداگانه‌یی با امپریالیسم تن در دادند: بحرین ۱۹۱۴ م. / ۱۳۳۲ هـ.ق؛ قطر ۱۹۱۶ م. / ۱۳۳۴ هـ.ق و سایرین تا ۱۹۲۲ م. / ۱۳۴۰ هـ.ق (الصباح، ۱۳۶۸: ۲۹).

پس از آغاز جنگ، انگلیسیها نه تنها پرداخت حق‌السهم ایران را متوقف کردند، بلکه دو میلیون دلار نیز بجای جبران خسارات وارده به لوله‌های نفت بدست عده‌یی ایلاتی ستیزه‌جو طلب کردند. با آنکه دولت ایران مسئول اعمال خارج از کنترل خود نبود و خطوط لوله نیز بسرعت تعمیر شد، انگلیسیها همچنان از پرداخت حق‌السهم ایران سر باز زدند و پرداخت این مبالغ را تا ۱۹۲۱ م. / ۱۳۳۹ هـ.ق به تعویق انداختند و در این مدت عده زیادی از مردم در اثر قحطی درگذشتند (مجد، ۱۳۸۶: ۲۸).

بخش ۳۵ میل ساحل نیز داشت و بندر اصلی آن بندر خمیر بود. بخشی که بلافاصله در شرق قلعه الفهدی در دوبی قرار داشت، به مهاجران بستک و مهاجران دیگر نواحی ساحلی ایران اختصاص داده شد تا در آنجا منازل مسکونی خویش را بسازند. این محل که نزدیک خلیج فارس بود- جایی که کشتیها میتوانستند بار خود را تخلیه کنند- محله جدید بستکیه نامیده شد و هنوز هم از رفاه و نعمتی که ساکنانش از بعد استقرار در دوبی از آن بهره‌مند شدند، شهادت میدهد (آنفان و دیگران، ۱۳۸۰: ۱۷۴/۳).

بلحاظ آمار جمعیتی، تغییر فاحشی در میزان جمعیت ایران صورت گرفت. در گزارشهای دیپلماتیک آمریکاییها آمده، شمار جمعیت ایران در ۱۹۱۴ م. / ۱۳۳۲ هـ.ق حدود ۲۰ میلیون نفر بوده است، با این روند طبیعی این شمار باید در ۱۹۱۹ م. / ۱۳۳۷ هـ.ق دست‌کم به ۲۱ میلیون میرسید، اما شمار واقعی جمعیت ایران حدود ۱۱ میلیون بوده که نشان میدهد دست‌کم ۱۰ میلیون نفر در اثر بیماری و قحطی در ابعادی فاجعه‌آمیز از بین رفته‌اند. اگرچه انگلیسیها در دهه‌های شصت و هفتاد قرن نوزدهم جمعیت ایران را ۹۸ / ۱۰ میلیون نفر آورده‌اند ولی جمعیت ایران در آن زمان ۲۰ میلیون نفر بوده است. افزودن دو رقم اعشار به ۱۰ میلیون برای القا حس دقت علمی است (مجد، ۱۳۸۶: ۲۱).

در دهه دوم سال ۱۹۱۶ م. / ۱۳۳۴ هـ.ق در اثر جنگی که در خاک ایران ابتدا میان ایرانیان و روسها و سپس روسها و عثمانی درگرفته بود، قحطی رخ داد و مردم ایران با کمبود مواد غذایی روبرو شدند. بعد از انقلاب روسیه و ترک ایران و همچنین رفتن ترکهای عثمانی، تنها انگلیسیها در ایران ماندند و فاجعه قحطی زمانی رخ داد که تمام خاک ایران و کشورهای همجوارش علاوه بر خلیج فارس در اشغال نظامی بود و از همان ابتدا سعی میکردند که تقصیر را بر گردن روسیه و عثمانی بیندازند. زمانی که قحطی مرگبار ایران را در بر گرفته بود، انگلیسیها علاوه بر خرید گسترده مواد غذایی از واردات مواد غذایی از هند و بین‌النهرین و همسایگان غربی و شرقی ایران جلوگیری میکردند و علاوه بر خلیج فارس، هند و بین‌النهرین نیز در اشغال ارتش انگلیس بود. در هند و

عربستان [خوزستان] و سایر نقاط به آنجا روی آوردند و بدین شکل در اطراف میدان نفتون که امروزه مسجد سلیمان نامیده میشود، محلی برای تمرکز جمعیت اهالی اطراف و همچنین انگلیسیها که آنجا بودند، گردید. انگلیسیها در آنجا برای خود و کارگزارانشان خانه، خیابان شوسه و دستگاه تصفیه آب شیرین احداث کردند (کسروی، ۲۵۳۶ [۱۳۵۶]: ۲۳۵).

در سال ۱۹۱۴ م. / ۱۳۳۲ هـ.ق دولت انگلیس نیز از سهام شرکت خرید و دو میلیون لیره دیگر بر سرمایه شرکت افزود. در زمان بر پا کردن شرکت بیش از دو میلیون لیره سرمایه نداشت. پس از جنگ بزرگ اروپا باز بر سرمایه شرکت افزوده شد و به بیست میلیون لیره رسید که پنج میلیون لیره آن نیز به دولت انگلیس تعلق داشت (همان: ۲۰۶).

نتیجه‌گیری

انگلیس بعنوان قدرت غالب با استفاده از مولفه نفت و حضور نیروهای نظامی در سواحل خلیج فارس صورت جدیدی به گردش امور در خلیج فارس و پس کرانه‌های آن داد و واکنش ساکنان و حاکمان آن نواحی را برانگیخت. تلاش برای انعقاد قرارداد ۱۹۱۹ م. به منظور اعزام مستخدمین و افسران انگلیسی برای بازسازی ساختار اداری- مالی و نظامی ایران بهانه‌ی بود برای نفوذ بیشتر در ایران از سوی انگلیس که هم واکنش ایرانیان و هم دولتهایی مانند روسیه، فرانسه و آمریکا را برانگیخت که در نهایت منجر به ابطال آن شد.

حضور ایران در کنفرانس صلح هم با وجود تمام تلاشهای هیئت ایرانی بخاطر کارشکنیهای انگلیس و بلندپروازانه بودن آن تقاضاها به جایی نرسید و نتوانست در روند اخذ غرامت و جبران خسارت مثرثمر باشد و تنها نتیجه آن پذیرش ایران به عضو مؤسس جامعه ملل در نوامبر ۱۹۱۹ م. بود.

اوضاع بد اقتصادی و قحطی حاصل از جنگ و بهره‌برداری کامل انگلیس از درآمدهای نفت و اقتصاد ایران باعث شد تا یک تغییر بنیادین در کانونهای تجاری خلیج فارس پدید آید. در این زمان در سواحل شمالی خلیج فارس با رونق یافتن بنداری چون آبادان، خرمشهر و بندرعباس و رکود بنداری

کارکرد نفت برغم ناشناخته بودنش در جنگ بتدریج حیاتی و حیاتی‌تر شد، تا جایی که سایکس میگوید: «در اثنای جنگ بزرگ این شرکت نیکی بسیاری به دولت انگلیس نمود و سوخت برای کشتیهایی که در آبهای شرق و در دریای سفید کار میکرد، رسانید. در عراق هم برای رفت و آمد و برد و آورد در رودها بهترین یاری را مینمود و نیز اندازه بسیاری از سوخت و بنزین و قیر برای دیگر مناطق جنگی بویژه برای میدان جنگ عراق میرسانید که اگر آن چیزها نمیرسید ما نمیتوانستیم به آن فیروزی دست بیابیم» (کسروی، ۲۵۳۶ [۱۳۵۶]: ۲۰۶) اینگونه بود که نفت جایگاه خود را در معادلات سیاسی دنیای آن روز باز کرد.

تا سال ۱۹۱۱ م. / ۱۳۲۹ هـ.ق که شرکت نفت ایران و انگلیس رسماً تشکیل نشده بود، از طرف مقامات لندن کسی برای بازدید عملیات کارکنان شرکت به ایران نمیرفت، ولی از آن تاریخ به بعد و پس از آنکه میزان تولید و بهره‌برداری از منابع نفت رو به افزایش نهاد، مأمورین عالی‌رتبه یکی پس از دیگری به ایران رفته و برای تسهیل پیشرفت کار مشغول فعالیت شدند (ویلسون، ۱۳۶۳: ۴۸).

در سالهای اول، نفتی که از معادن جنوب ایران استخراج میشد بشکل خام صادر میگردد و مقدار آن ۴۳۰۰۰ تن بود که این مقدار در سال ۱۹۱۴ م. / ۱۳۳۲ هـ.ق به ۲۷۴۰۰۰ تن رسید و هنگامی که جنگ آغاز شد، ماهیانه ۲۵۰۰۰ تن نفت از آبادان صادر میشد و اهمیت این نفت برای بحریه انگلیس و اهداف جنگی آن دولت بقدری زیاد بود که دولت انگلیس مجبور بود اقدامات جدی برای جلوگیری از شروع جنگ در عربستان [خوزستان] بنماید (فاتح، ۱۳۳۵: ۲۷۲).

کل درآمد دولت ایران از ابتدای استخراج نفت تا سال ۱۹۱۹ م. / ۱۳۳۷ هـ.ق در حدود ۱/۱۳۲۵۰۰۰ لیره بود که این مبلغ در مقابل میزان تولید و صادرات نفت بسیار ناچیز بود (ذوقی، ۱۳۶۸: ۲۷۴)، ولی با این وجود برای شروع بد نبود.

از سال ۱۹۰۹ م. / ۱۳۲۷ هـ.ق زمانی که حفر چاههای نفت توسط انگلیسیها در میدان نفتون آغاز شد، کارگران از

- ذوقی، ایرج؛ *تاریخ روابط سیاسی ایران و قدرتهای بزرگ ۱۹۰۰-۱۹۲۵*، تهران: نشر پاژنگ، ۱۳۶۸.

- سفیری، فلوریدا؛ *پلیس جنوب ایران (اس.پی.آر)*، ترجمه منصوره اتحادیه (نظام مافی) و منصوره فشارکی (رفیعی)، تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۴.

- فاتح، مصطفی؛ *پنجاه سال نفت*، تهران: انتشارات کاوش، ۱۳۳۵.

- کسروی، احمد؛ *تاریخ پانصد ساله خوزستان*، بی جا: انتشارات گام، ۲۵۳۶.

- کاتوزیان، محمدعلی؛ *تضاد دولت و ملت نظریه تاریخ و سیاست در ایران*، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی، ۱۳۸۰.

- گرکه، اولریخ؛ *پیش به سوی شرق ایران در سیاست شرقی آلمان در جنگ جهانی اول*، ترجمه پرویز صدری، تهران: کتاب سیامک، دوره دو جلدی، ۱۳۷۷.

- مجد، محمدقلی، *قحطی بزرگ (۱۲۹۶-۱۲۹۸ ه.ش/ ۱۹۱۷-۱۹۱۹ م)*، ترجمه محمد کریمی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ۱۳۸۶.

- مورخ الدوله سپهر، احمدعلی؛ *ایران در جنگ بزرگ*، بی جا: بی نا، ۱۳۳۶.

- وثوقی، محمدباقر؛ *تحولات صفحات جنوبی ایران (مجموعه گزارشهای کارگزاران بنادر و جزایر مسکونی خلیج فارس)*، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۱.

- ویلسون، آرنولد تالبوت؛ *سفرنامه خلیج فارس یا تاریخ سیاسی اقتصادی جنوب غربی ایران*، ترجمه حسین سعادت نوری، بی جا: انتشارات وحید، ۱۳۶۳.

- یاب، ملکم؛ *خلیج فارس در آستانه قرن بیستم*، ترجمه حسن زنگنه، تهران: انتشارات به دید، ۱۳۸۰.

چون بندر لنگه و بوشهر و همچنین مهاجرت تجار و بازرگانان به بنادر جنوبی خلیج فارس بخصوص دوبی روبرو هستیم و از این زمان بندر دوبی بعنوان رقیب بندر لنگه خود را مناسبات منطقه خلیج فارس تثبیت کرد و نقش و تأثیر عمیق انگلیس در تسریع این روند را نمیتوان نادیده گرفت.

منابع

- آنفان، پل بون و دیگران؛ *شبه جزیره عربستان در عصر حاضر*، ترجمه اسدالله علوی، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، دوره سه جلدی، ۱۳۸۰.

- اتحادیه، منصوره (نظام مافی)؛ *سعاد، پیرا؛ نصرت الدوله: مجموعه مکاتبات، اسناد، خاطرات و آثار فیروز میرزا فیروز*، کتاب سوم، تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۷۸.

- اتحادیه، منصوره (نظام مافی)؛ *«واقعیت یا رؤیا؟ ایران و کنفرانس صلح ورسای»*، مجموعه مقالات سمینار ایران و جنگ جهانی اول، بکوشش صفا اخوان، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۰.

- *اسناد محرمانه وزارت خارجه بریتانیا درباره قرارداد ۱۹۱۹ م ایران و انگلیس*؛ ترجمه جواد شیخ الاسلامی، تهران: انتشارات کیهان، جلد اول، چاپ دوم، ۱۳۶۸.

- الصباح، سالم الجبیر؛ *امارات خلیج فارس و مسئله نفت*، ترجمه علی بیگدلی، بی جا: میراث ملل، ۱۳۶۸.

- الهی، همایون؛ *خلیج فارس و مسائل آن*، تهران: نشر اندیشه، ۱۳۶۱.

- اولسون، ویلیام؛ *روابط ایران و انگلیس در جنگ جهانی اول*، ترجمه حسن زنگنه، تهران: نشر و پژوهش شیرازه، ۱۳۸۰.

- باست، اولیور؛ *«ایران و کنفرانس صلح ۱۹۱۹ م»*، مجموعه مقالات سمینار ایران و جنگ جهانی اول، بکوشش صفا اخوان، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، ۱۳۸۰.